

The jurisprudential status of options in the Iranian capital market

Ali Azizi: B.A. in Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. alii.azizii5299@gmail.com

Marzieh Nekoeizadeh: Assistant Professor of Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. mnekoeizadeh@gmail.com

Mohammad Ali Sheikh Movahed: M.A. in Law, Faculty of Humanities, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. mr13561358@gmail.com

Abstract

In Islamic law, option is a right granted to an individual to make a transaction, and the capital market, as a tool for economic development, demands everyone's attention. This study uses a legal-analytical approach and a comparative method to examine option in Islamic law and the development of Sharia-compliant investment instruments in the Iranian capital market. The data is collected and analyzed in a study-review format, comparing it with other Islamic markets and examining practical cases of executing transactions under the supervision of the Supervisory Councils. The central question of this research is how to reconcile the principles of Islamic jurisprudence with the supervisory frameworks of the Guardian Council. And the Securities and Exchange Organization aligned to design and implement derivative instruments that are Sharia-compliant and provide the desired functions of the market. The main limitation of the research relates to the jurisprudential differences between schools of thought and different interpretations of Sharia rulings related to financial instruments, which suggests that a unified jurisprudential framework and implementation guidelines be developed to align with market regulations and economic development goals.

Keywords: Option contract, jurisprudence, capital market, market law.

Received: 2024/05/19 ; **Revised:** 2024/06/19 ; **Accepted:** 2024/6/21; **Published online:** 2024/06/30

Article type: Research Article

Publisher: Qom Islamic Azad University

© the authors



وضعیت فقهی اختیار معامله در بازار سرمایه ایران

علی عزیزی: کارشناسی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
alii.azizii5299@gmail.com

مرضیه نکویی زاده: استادیار حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
mnekoueizadeh@gmail.com

محمدعلی شیخ موحد: کارشناسی ارشد حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.
mr13561358@gmail.com

چکیده:

در حقوق اسلامی، اختیار معامله حقی است که به فرد برای انجام معامله اعطا می‌شود و بازار سرمایه نیز به عنوان یکی از ابزارهای توسعه اقتصادی توجه همگان را می‌طلبد. این مطالعه از رویکرد تحلیلی-حقوقی و روش تطبیقی برای بررسی اختیار معامله در حقوق اسلامی و توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری واجد شرعیت در بازار سرمایه ایران استفاده می‌کند. داده‌ها به صورت مطالعاتی-مروری، تطبیقی با بازارهای اسلامی دیگر و بررسی موارد عملی اجرای معاملات تحت نظارت شوراهای نظارتی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود. پرسش مرکزی این پژوهش این است که چگونه می‌توان اصول فقه اسلامی را با چارچوب‌های نظارتی شورای نگهبان و سازمان بورس و اوراق بهادار همسو کرد تا ابزارهای مشتقه‌ای طراحی و پیاده‌سازی شوند که واجد شرعیت باشند و کارکردهای مطلوب بازار را تامین کنند. محدودیت اصلی پژوهش به تفاوت‌های فقهی بین مذاهب و تفسیرهای متفاوت از احکام شرعی مرتبط با ابزارهای مالی برمی‌گردد، که پیشنهاد می‌کند چارچوب فقهی یکپارچه و راهنمای اجرایی تدوین شود تا همسو با مقررات بازار و اهداف توسعه اقتصادی باشد.

واژگان کلیدی: قرارداد اختیار معامله، فقه، بازار سرمایه، قانون بازار.

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم © نویسندگان.

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۳۰

مقدمه

اختیار معامله در حقوق قراردادی به معنای حق طرف یک قرارداد برای انجام یا عدم انجام یک معامله خاص است. با اختیار معامله، طرف قرارداد می‌تواند با توجه به شرایط و موقعیت موجود، تصمیم به انجام یا عدم انجام معامله بگیرد (حسینی عاملی، ۱۳۲۳).

در معاملات بازار سرمایه، امتیاز اختیار معامله به عنوان یکی از شرایط مهم قرارداد، می‌تواند با توجه به موقعیت و شرایط بازار، به صورت متفاوتی برای طرفین معامله تعیین شود. در برخی موارد، به منظور افزایش اعتماد و رضایت خریدار، امتیاز اختیار معامله بیشتر برای او در نظر گرفته می‌شود.

به طور کلی، امتیاز اختیار معامله معمولاً به عنوان یک شرط معامله، در قراردادهای بازار سرمایه در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند به صورت متفاوتی برای طرفین تعیین شود، در نظر گرفتن امتیاز اختیار معامله بیشتر برای خریدار، می‌تواند به افزایش اعتماد و رضایت او از معامله کمک کند.

در فقه اسلامی، اختیار معامله به عنوان یکی از اختیارات طرفین در قرارداد مورد قبول است. با این حال، در برخی موارد، این حق ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای مربوط به حقوق مالکیت فکری، شرایط خاصی برای انجام معامله ممکن است وجود داشته باشد.

در حقوق مدنی، اختیار معامله به عنوان یکی از حقوق طرفین در قرارداد به شمار می‌رود. این حق به طور کلی در قراردادهای مختلف، از جمله قراردادهای بانکی، قراردادهای اجاره و مستأجری، قراردادهای خرید و فروش و ... وجود دارد.

باید توجه داشت که اختیار معامله برای طرفین قرارداد، یک حق مهم است و می‌تواند برای تعیین شرایط قرارداد و حفظ حقوق و تعهدات طرفین مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، باید همواره توجه داشت که استفاده از این حق به شرایط قرارداد و موقعیت موجود بستگی دارد و در برخی موارد، این حق می‌تواند محدودیت‌هایی داشته باشد. به عنوان مثال، در مواردی که قرارداد دارای تعهدات زمانی مشخصی است، اختیار معامله ممکن است با محدودیت‌هایی همراه باشد.

امتیاز اختیار معامله در قراردادهای بورس اوراق بهادار به عنوان یک شرط معامله، نیز در نظر گرفته می‌شود. از نظر فقه، این امتیاز به عنوان "خیار" در قراردادهای فروش به دیگران، مطرح می‌شود.

در فقه، خیار به معنای حق یا اختیاری است که در قرارداد یک طرف به طرف دیگر می‌دهد. این حق ممکن است به صورت شرطی در قرارداد درج شود و در صورت فراهم شدن شرط مربوط به آن فعال شود.

در قراردادهای بورس اوراق بهادار، امتیاز اختیار معامله به عنوان یک خيار، معمولاً توسط خریدار تعیین می‌شود. خریدار با درخواست امتیاز اختیار معامله، حق تعیین شرایط معامله را برای خود محفوظ می‌کند و در صورتی که شرایط مورد نظرش برای انجام معامله فراهم نشود، می‌تواند از انجام معامله معذور شود. بنابراین، امتیاز اختیار معامله در قراردادهای بورس اوراق بهادار نیز، از نظر فقه، به عنوان یک خيار در نظر گرفته می‌شود و می‌تواند به صورت شرطی در قرارداد درج شود.

وضعیت فقهی اختیار معامله در بازار سرمایه ایران از دیدگاه فقه اسلامی به دو صورت مشروع و ممنوع قابل بررسی است. از یک سو، در فقه اسلامی، اختیار معامله به شرط رعایت شرایط و قواعد مشروع، مجاز است. در این راستا، برای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران باید به شرایط مشروعی توجه شود که به عنوان مثال شامل رعایت اصول شرعی در خرید و فروش، اطلاعات کافی و دقیق در مورد معامله و شرکت‌های معامله‌گر، عدم تضییع حقوق و بهره صاحبان سهام و ... است.

از سوی دیگر، در فقه اسلامی، برخی از اختیارات معاملاتی به دلیل نامطلوب بودن از دیدگاه شرع ممنوع هستند. در این راستا، اختیارات معامله‌ای که به نوعی غیرمشروع و نامطلوب به حساب می‌آیند، همچون معاملاتی که منجر به سود حرام و ظلم به دیگران می‌شود، معاملاتی که موجب دغدغه امنیت ملی می‌شود، معاملاتی که باعث تحریک و افزایش شرارت و فساد در جامعه می‌شوند، ممنوع هستند.

با توجه به این موارد، اختیار معامله در بازار سرمایه ایران به شرط رعایت شرایط و قواعد مشروع، مجاز است ولی در صورتی که به نوعی غیرمشروع و نامطلوب باشد، ممنوع خواهد بود. به علاوه، مسئولیت رعایت شرایط مشروعیت معامله بر عهده خود متقاضیان اختیار معامله در بازار سرمایه است.

در اسلام، به عنوان یک قاعده کلی، معاملاتی که باعث نابودی و تخریب منافع عمومی و امور مذهبی می‌شوند، حرام هستند. اما بر اساس نظر برخی از علمای دین، اختیار معامله در بازار سرمایه مجاز است، مخصوصاً اگر این امر باعث نابودی منافع عمومی نشود. از طرف دیگر، برخی از علما از جمله آیت‌الله سیستانی، اختیار معامله را حرام دانسته و آن را به دلیل عدم رعایت نکات اخلاقی و عدم اطمینان به امر به شرط اجتنابی می‌دانند. در نگاه فقهی-اسلامی، بررسی مشروعیت یا عدم مشروعیت اختیار معامله در بازار سرمایه ضرورتی حیاتی است زیرا این ابزار مالی هم می‌تواند به توسعه اقتصادی و جذب سرمایه‌های شرعی منجر شود و هم اگر بدون رعایت اصول شرعی به کارگیری شود، ممکن است به تضییع حقوق سهامداران، افزایش ریسک اخلاقی و تقویت سودهای حرام منجر گردد. از همین رو، روشن شدن ضوابط مشروعیت،

شفافیت اطلاعاتی، حفظ منافع عمومی و جلوگیری از ناپسندهای اخلاقی مثل ظلم یا فساد در معاملات، به اعتماد سرمایه‌گذاران واجد شرعیت و ثبات بازار می‌افزاید (حجتی و کریمی، ۱۳۹۸). چنین رویکردی همچنین به تقویت سازوکارهای نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار و شورای نگهبان کمک می‌کند تا ابزارهای مالی اسلامی با رعایت موازین فقهی و حقوقی پاسخگوی نیازهای واقعی اقتصاد کشور باشند.

از سوی دیگر، وجود بحث‌های متنوع فقهی بین علما، از جمله اختلاف نظرهایی مانند جواز یا حرمت اختیار معامله، اهمیت گفت‌وگو و پژوهش‌های تطبیقی با کشورهای با بازارهای اسلامی دارد. این تنوع فقهی نشان می‌دهد که تعیین معیارهای واحد فقهی-اجرایی برای ابزارهای مالی شرعی ضروری است تا هم توسعه اقتصادی تضمین شود و هم به لحاظ اخلاقی و دینی اطمینان‌بخش باشد.

در کشور ایران، قوانین و مقررات مربوط به بازار سرمایه توسط سازمان بورس و اوراق بهادار تنظیم می‌شوند و از طریق تعیین شرایط و محدودیت‌های مختلف، تلاش می‌شود تا این فعالیت‌ها به شکل قانونی و مطابق با مبانی شرعی انجام شود. از آنجا که ارتباط میان نظام مالی و دستورات دینی در اسلام، موضوعی پیچیده است و به دلیل اینکه در مورد صحت و سقم ماهیت قرارداد اختیار معامله نظرات متفاوتی وجود دارد و در پژوهش‌های اخیر فقط برخی از ابعاد این قرارداد را مورد بررسی قرار داده اند، لذا بررسی چالش‌های حقوقی، فقهی و نظارتی قرارداد اختیار معامله در بازارهای مالی ایران امری ضروری و حائز اهمیت است که پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای با رویکردی تطبیقی و کلی‌نگری از منظر سه حوزه حقوقی، فقهی و قانونی، زوایا و ارکان این نوع قرارداد را مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد. بر این اساس، این پژوهش با ارائه چارچوب‌های فقهی یکپارچه، راهنماهای اجرایی و روش‌های مشاوره شرعی برای فعالان بازار را پیشنهاد می‌دهد تا قراردادهای اختیار معامله بتوانند به صورت پایدار و مشروع در بازار سرمایه ایران اجرا شوند.

مفاهیم و بنیان‌های نظری

در قرارداد اختیار معامله، برخی اصطلاحات رایج عبارتند از: حق انتخاب: این اصطلاح به حق طرف خریدار در انتخاب اینکه آیا می‌خواهد در زمان مشخص در آینده، دارایی را با قیمت مشخص خریداری کند یا خرید نکند، اشاره دارد. زمان پایان: این اصطلاح به زمانی اشاره دارد که قرارداد اختیار معامله به پایان می‌رسد و طرف خریدار باید تصمیم بگیرد که آیا می‌خواهد حق خرید خود را درخواست کند یا خیر.

قیمت اجرا: این اصطلاح به قیمتی اشاره دارد که در زمان اجرای قرارداد اختیار معامله، دارایی باید با آن قیمت خریداری شود (Clam Dictionary, ۲۰۰۳).

حق انتقال: این اصطلاح به حق طرف خریدار در انتقال حق خرید خود به شخص دیگری، اشاره دارد. حق خرید: این اصطلاح به حق طرف خریدار برای خرید دارایی در زمان مشخص در آینده با قیمت مشخص، اشاره دارد (درخشان، ۱۳۸۳).

حق فروش: این اصطلاح به حق طرف فروشنده برای فروش دارایی در زمان مشخص در آینده با قیمت مشخص، اشاره دارد.

پیش پرداخت: این اصطلاح به مبلغی اشاره دارد که خریدار در زمان امضای قرارداد برای نشان دادن جدیت خود در خرید دارایی پرداخت می کند.

حقوق و تعهدات: این اصطلاح به حقوق و تعهدات طرفین در قرارداد اختیار معامله، اشاره دارد که شامل شرایط قرارداد، زمان اجرا، قیمت اجرا، حق انتخاب و غیره است.

انواع قراردادهای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران

در بازار سرمایه ایران، انواع مختلفی از قراردادهای اختیار معامله برای معاملات با دارایی های مختلف وجود دارد. برخی از انواع قراردادهای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران عبارتند از:

قرارداد اختیار خرید (Call Option): در این قرارداد، خریدار حق دارد که در زمان تعیین شده، دارایی را با یک قیمت مشخصی خریداری کند. در صورتی که در زمان تعیین شده، قیمت دارایی کاهش یابد، خریدار می تواند از انجام معامله معذور شود.

قرارداد اختیار فروش (Put Option): در این قرارداد، خریدار حق دارد که در زمان تعیین شده، دارایی را با یک قیمت مشخصی بفروشد. در صورتی که در زمان تعیین شده، قیمت دارایی افزایش یابد، خریدار می تواند از انجام معامله معذور شود.

قرارداد اختیار معامله آینده (Futures Option): در این قرارداد، خریدار حق دارد که در زمان تعیین شده، دارایی را با یک قیمت مشخصی خریداری کند یا بفروشد. این قرارداد معمولاً برای دارایی هایی مانند سهام، ارز و کالاهای موجود در بورس اوراق بهادار استفاده می شود.

قرارداد اختیار معامله برای فرایند تمدید: (Renewable Option) در این قرارداد، خریدار یک دارایی، حق دارد که پس از یک مدت معین، دارایی را با یک قیمت مشخصی تمدید کند یا به فروش برساند.

قرارداد اختیار معامله با انتخاب (Chooser Option): در این قرارداد، خریدار در زمان تعیین شده، می تواند بین دو نوع قرارداد اختیار معامله مختلف مانند (Call Option) و (Put Option) انتخاب کند (Webber, 1994).

موضوع قرارداد اختیار معامله

موضوع قرارداد اختیار معامله به دارایی های مختلفی مانند سهام، ارزها، سفته ها، طلا، نفت و دارایی های ثابت مانند املاک و مستغلات مربوط می شود. در واقع، هر دارایی که در بازار معاملاتی موجود باشد، می تواند به عنوان موضوع قرارداد اختیار معامله مورد استفاده قرار گیرد.

موضوع قرارداد اختیار معامله باید قابل تعیین و قابل شناسایی باشد، به طوری که طرفین بتوانند برای آن قیمت و حقوق قرارداد را تعیین کنند. همچنین، موضوع قرارداد باید در بازار معاملاتی قابل معامله باشد و در صورت نیاز به مرجعیت و قانونی بودن خود دارایی، برای اطمینان از اعتبار قرارداد، باید به قوانین و مقررات مربوطه توجه شود.

معامله در قرارداد اختیار معامله بین دو طرف صورت می گیرد. طرف خریدار با پرداخت حق انتخاب، حق خرید یا فروش دارایی را در زمان و با شرایط مشخص در آینده دارد و طرف فروشنده موظف است در صورت درخواست طرف خریدار، دارایی را با قیمت و شرایط تعیین شده در قرارداد به او ارائه دهد. به طور کلی، قرارداد اختیار معامله یک ابزار مالی است که برای مدیریت ریسک و استفاده از فرصت های سودآور در بازار مورد استفاده قرار می گیرد.

اختیار معامله در بازار سرمایه به عنوان یکی از ابزارهای مهم مدیریت ریسک در معاملات سرمایه گذاری به کار می رود که به طور کلی در دو نوع حق خرید و حق فروش ارائه می شود. در حق خرید، طرف قرارداد دارد در زمان مشخصی در آینده، دارایی مشخصی را به قیمت مشخصی خریداری کند. در حق فروش، طرف قرارداد حق دارد در زمان مشخصی در آینده، دارایی مشخصی را به قیمت مشخصی بفروشد.

اختیار معامله برای تمامی دارایی ها در بازار سرمایه در دسترس نیست و فقط در برخی از دارایی ها مانند سهام، قراردادهای آتی کالا، قراردادهای آتی ارز و برخی از سایر ابزارهای مالی، قابل استفاده است. بنابراین، شما باید دارایی هایی را انتخاب کنید که قراردادهای اختیار معامله برای آن ها در دسترس است. سرمایه گذاران برای انتخاب دارایی های مناسب برای استفاده از اختیار معامله، باید با شرایط بازار آشنا باشند و به دقت تحلیل کنند که آیا استفاده از اختیار معامله در آن دارایی، مزیتی برای آنها دارد یا خیر.

برخی از دارایی‌هایی که قابلیت استفاده از اختیار معامله را دارند، عبارتند از:

- ۱- سهام: برخی از شرکت‌های بزرگ و معروف، قابلیت استفاده از اختیار معامله را دارند.
 - ۲- قراردادهای آتی کالا: مانند نفت خام، گندم، آلومینیوم، طلا و نیکل.
 - ۳- قراردادهای آتی ارز: مانند دلار آمریکا، یورو و پوند انگلیسی.
 - ۴- قراردادهای آتی برای دارایی‌های مالی: مانند شاخص بورس، شاخص کاپ، شاخص نمادهای فعال و . . .
 - ۵- اوراق قرضه دولتی و بانکی: با استفاده از اختیار معامله، سرمایه‌گذاران می‌توانند در مقابل تغییرات نرخ بهره، ریسک خود را کاهش دهند.
- در چند سال اخیر، استفاده از این ابزار مالی در بازار سرمایه ایران افزایش یافته است. این افزایش استفاده از اختیار معامله می‌تواند به دلیل مزایایی باشد که این ابزار مالی به سرمایه‌گذاران ارائه می‌دهد. برخی از مزایای استفاده از اختیار معامله در بازار سرمایه ایران عبارتند از:
- ۱- حفظ سرمایه: این ابزار مالی به سرمایه‌گذاران اجازه می‌دهد که دربارهٔ قیمت و مقدار دارایی در آینده، تعهد جدی بدهند اما در عین حال ریسک خود را محدود کنند و از فرصت‌های سودآوری استفاده کنند.
 - ۲- افزایش نوسان قیمت: استفاده از اختیار معامله می‌تواند باعث افزایش نوسان قیمت دارایی‌ها شود و برای سرمایه‌گذاران، فرصت‌های سودآوری بیشتری فراهم کند.
 - ۳- امکان کاهش ریسک: با استفاده از اختیار معامله، سرمایه‌گذاران می‌توانند در مقابل تغییرات نرخ، ریسک خود را کاهش دهند.
 - ۴- امکان دسترسی آسان: با توجه به اینکه اختیار معامله در قالب قراردادهای استاندارد در بازار سرمایه ایران قابل معامله است، سرمایه‌گذاران می‌توانند به راحتی از این ابزار مالی استفاده کنند.
 - ۵- امکان برد و زیان قابل پیش‌بینی: با استفاده از این ابزار مالی، سرمایه‌گذاران می‌توانند برد و زیان خود را به صورت قابل پیش‌بینی کنند.
- در کل، استفاده از اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، می‌تواند به سرمایه‌گذاران امکانات و مزایایی ارائه دهد که با استفاده از آنها می‌تواند سودآوری و افزایش حجم معاملات را ایجاد کند. البته شایان ذکر است که استفاده از اختیار معامله همچنان همراه با ریسک‌هایی نظیر خطر سرمایه‌گذاری، نوسانات بازار و عدم لیکویدیت است. بنابراین، سرمایه‌گذارانی که قصد استفاده از این ابزار مالی را دارند، باید با شرایط بازار آشنا باشند و با مشاوران مالی و حقوقی متخصصی همکاری کنند تا بهترین تصمیم را در این زمینه بگیرند.

علل اعتبار قرارداد اختیار معامله

اعتبار قرارداد اختیار معامله به عوامل مختلفی بستگی دارد که در ادامه توضیح داده می‌شوند: قابلیت قانونی دارایی موضوع قرارداد: در صورتی که دارایی موضوع قرارداد از نظر قانونی قابل تعیین و شناسایی باشد، اعتبار قرارداد افزایش می‌یابد.

شفافیت شرایط قرارداد: شرایط قرارداد باید به صورت شفاف و واضح تعریف شده باشند و هر دو طرف باید با این شرایط موافقت کنند. این امر باعث افزایش اعتبار قرارداد می‌شود.

قابلیت اجرای قرارداد: قرارداد باید به گونه‌ای طراحی شود که طرفین بتوانند به راحتی حقوق و تعهدات خود را اجرا کنند. همچنین، دسترسی به منابع مالی و فنی برای اجرای قرارداد نیز برای اعتبار آن حائز اهمیت است.

رعایت قوانین و مقررات: قرارداد باید با قوانین و مقررات مربوطه سازگاری داشته باشد. در صورتی که قرارداد با قوانین و مقررات مربوطه سازگاری نداشته باشد، اعتبار آن کاهش می‌یابد.

شناخت قرارداد توسط طرفین: طرفین باید شرایط و مفاهیم قرارداد را به درستی شناخته و درک کنند تا بتوانند به درستی از حقوق و تعهدات خود پیروی کنند و اعتبار قرارداد حفظ شود.

پایداری بازار: با توجه به اینکه قرارداد اختیار معامله به دارایی‌های مختلفی مرتبط است، پایداری بازار نیز برای حفظ اعتبار قرارداد حائز اهمیت است.

به طور کلی، اعتبار قرارداد اختیار معامله به وابستگی به عوامل مختلفی دارد که می‌تواند باعث افزایش یا کاهش آن شود.

قرارداد اختیار معامله در بازار سرمایه ایران مبتنی بر اجازه‌نامه‌هایی است که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار صادر می‌شود و بر اساس آن، حق خرید و فروش یک دارایی در یک زمان مشخص، به فردی اختصاص می‌دهد. در این رابطه، از دیدگاه فقه اسلامی، قرارداد اختیار معامله بر اساس مبانی معاملات مالی شرعی و قواعد اصولی آن تشکیل شده است و در صورت رعایت اصول شرعی، اعتبار دارد. به طور کلی، برای اعتبار قرارداد اختیار معامله در بازار سرمایه بر اساس قوانین و مقررات شرعی اسلامی، به ویژه حکم شرعی باید این شرایط رعایت شود:

۱- تعیین دقیق شرایط قرارداد و توافق نامه بین طرفین؛

۲- عدم وجود عناصری مانند فریب و تغییر حقوق طرفین در طول مدت قرارداد؛

۳- عدم تضمین تصرف در مال و ممتلكات دیگر؛

۴- عدم تعارض با قوانین و مقررات کشور؛

۵- رعایت اصول و ضوابط شرعی در انجام معامله.

بنابراین، از دیدگاه فقهی، اعتبار قرارداد اختیار معامله در بازار سرمایه به شرط رعایت اصول شرعی، مجاز است و می‌توان آن را به عنوان یکی از ابزارهای مالی در بازار سرمایه استفاده کرد.

محدودیت‌های حاکم بر اختیار معامله

محدودیت‌هایی که برای اختیار معامله ممکن است وجود داشته باشد، به شرایط و موقعیت قرارداد وابسته هستند. در زیر محدودیت‌هایی که ممکن است برای اختیار معامله وجود داشته باشد آورده شده است (Hudson, ۲۰۰۶). محدودیت‌های زمانی: در برخی موارد، ممکن است قرارداد دارای تعهدات زمانی مشخصی باشد که برای انجام یا عدم انجام معامله محدودیتی ایجاد کند. به عنوان مثال، در قراردادهای اجاره، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی دربارهٔ زمان پایان قرارداد وجود داشته باشد.

محدودیت‌های محتوایی: در برخی موارد، محتوای معامله مورد مذاکره ممکن است محدودیت‌هایی داشته باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای مربوط به حقوق مالکیت فکری، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره حقوق و تعهدات طرفین وجود داشته باشد.

محدودیت‌های مربوط به شرایط محیطی: در برخی موارد، شرایط محیطی ممکن است برای اختیار معامله محدودیتی ایجاد کنند. به عنوان مثال، در قراردادهای بیمه، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره موضوعاتی مانند شرایط آب و هوایی وجود داشته باشد.

محدودیت‌های قانونی: در برخی موارد، قوانین محلی ممکن است برای اختیار معامله محدودیتی ایجاد کنند. به عنوان مثال، در برخی کشورها، ممکن است قوانین محلی مربوط به حقوق مالکیت فکری برای اختیار معامله محدودیت‌هایی ایجاد کنند (حائری، ۱۳۷۳).

باید توجه داشت که محدودیت‌های مختلف ممکن است برای اختیار معامله در قراردادهای مختلف وجود داشته باشد و برای حفظ حقوق و تعهدات طرفین و همچنین جلوگیری از اختلافات میان آن‌ها، احترام به این محدودیت‌ها بسیار مهم است.

بعضی از محدودیت‌های دیگری که ممکن است برای اختیار معامله وجود داشته باشد، عبارتند از:

محدودیت‌های مربوط به قیمت: در برخی قراردادهای، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره قیمت وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای خرید و فروش دارایی‌های ارزی، قیمت ممکن است با توجه به شرایط بازار محدود شود.

محدودیت‌های مربوط به محل انجام معامله: در برخی موارد، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره محل انجام معامله وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای اجاره، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره محل اجاره وجود داشته باشد.

محدودیت‌های مربوط به حجم معامله: در برخی موارد، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره حجم معامله وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای بانکی، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره مبلغ تراکنش وجود داشته باشد (Tuckman & Vila, 2001).

محدودیت‌های مربوط به شرایط مالی: در برخی موارد، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره شرایط مالی معامله وجود داشته باشد. به عنوان مثال، در قراردادهای سرمایه‌گذاری، ممکن است برای اختیار معامله محدودیت‌هایی درباره شرایط بازگشت سرمایه وجود داشته باشد.

در هر صورت، باید توجه داشت که محدودیت‌های مختلف ممکن است برای اختیار معامله در قراردادهای مختلف وجود داشته باشد و برای جلوگیری از بروز اختلافات و حفظ حقوق طرفین، احترام به این محدودیت‌ها بسیار مهم است. قبل از انجام هرگونه قرارداد و استفاده از اختیار معامله، لازم است که شرایط و محدودیت‌های قرارداد به دقت بررسی شود.

برای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، برخی از محدودیت‌هایی که ممکن است بر اساس قوانین و مقررات شرعی و فقهی وجود داشته باشد عبارتند از:

محدودیت موضوع قرارداد: برخی از دارایی‌ها مانند دارایی‌های نامشهود، دارایی‌هایی که تعریف دقیقی برای آنها وجود ندارد، دارایی‌هایی که در شرع به عنوان محرم‌التداول تلقی می‌شوند و یا دارایی‌هایی که از نظر شرعی مشکلاتی دارند، ممکن است موضوع اختیار معامله نشوند.

محدودیت در زمان انجام معامله: از آنجا که قرارداد اختیار معامله یک قرارداد آتی است، معامله باید در زمان مشخصی انجام شود و در غیر این صورت، قرارداد به طور اتوماتیک منقضی می‌شود. به همین دلیل، تأخیر در انجام معامله می‌تواند باعث ناتوانی در اجرای قرارداد شود.

محدودیت پرداخت سود: در قراردادهای اختیار معامله، پرداخت سود باید بر اساس معیارهای شرعی مشخص شود. به عنوان مثال، در قراردادهای اختیار خرید، پرداخت سود نباید به صورت ربا یا سود حرام انجام شود. بلکه باید بر اساس معیارهای شرعی مانند سود مشروع یا سود حلال تعیین شود. همچنین، محاسبه سود باید بر اساس ارزش واقعی دارایی مورد معامله صورت گیرد و نباید از روی تخمین و گمانه زنی ارزش دارایی صورت بگیرد. در صورت عدم رعایت این معیارها و پرداخت سود به صورت ربا یا سود حرام، قرارداد ممکن است شامل عواقب شرعی نامطلوبی شود. برای اینکه قرارداد معتبر و شرعی باشد، باید از معیارهای شرعی برای پرداخت سود پیروی کرد. همچنین، شرکت‌های دارای مجوز فعالیت در بازار سرمایه ایران، مشمول نظارت‌های مربوط به رعایت معیارهای شرعی هستند و باید از این نظرات پیروی کنند. به طور کلی، در قراردادهای اختیار معامله باید به رعایت معیارهای شرعی برای پرداخت سود توجه کرد تا قرارداد معتبر و شرعی باشد و عواقب ناشایستی را به دنبال نداشته باشد.

محدودیت در تضمین تصرف در مال و **ممتلكات** دیگر: در قراردادهای اختیار معامله، همانند دیگر قراردادهای معاملاتی، تضمین تصرف در مال و ممتلكات دیگر در دوره اجرای قرارداد ممنوع است و ممکن است قرارداد شامل عواقب شرعی نامطلوبی شود. اختیار معامله بر اساس امتیاز خرید و فروش دارایی‌ها در زمان مشخصی است و در این رابطه، تضمین تصرف در مال و دارایی‌های دیگر به منظور تضمین اجرای قرارداد معتبر نیست.

محدودیت در تضمین ارزش دارایی: از آنجا که قرارداد اختیار معامله بر اساس ارزش دارایی در زمان مشخصی است، تضمین ارزش دارایی برای مدت طولانی ممکن است با مشکلاتی مواجه شود. یکی از مشکلاتی که در تضمین ارزش دارایی برای مدت طولانی ممکن است به وجود آید، تغییرات در شرایط اقتصادی و بازار می‌باشد. به عنوان مثال، ارزش دارایی‌هایی مانند سهام شرکت‌ها و املاک و مستغلات ممکن است در بازار به دلیل تغییرات در شرایط اقتصادی و سیاسی کاهش یا افزایش یابند.

محدودیت موضوع قرارداد: در برخی از موارد، اختیار معامله برای برخی از دارایی‌ها ممنوع است. به عنوان مثال، در بازار سرمایه ایران، معاملات با برخی از دارایی‌های مشخص مانند ارزهای خارجی با محدودیت‌هایی روبرو هستند. به عنوان مثال، تنها اشخاص حقیقی و حقوقی مشخصی می‌توانند معاملات با ارزهای خارجی در بازار ارز داشته باشند و معاملات با برخی از ارزهای خارجی ممکن است محدودیت‌هایی در خصوص حجم و زمان معاملات داشته باشند.

محدودیت مدت زمان قرارداد: محدودیتهایی برای مدت زمان اجرای قرارداد وجود دارد و قرارداد باید در مدت زمان مشخصی اجرا شود. به عنوان مثال، در برخی از قراردادهای اختیار خرید، محدودیتهایی برای مدت زمانی که اختیار معامله در آن معتبر است، وجود دارد.

محدودیت انجام معاملات با داراییهای خاص: محدودیتهایی برای انجام معاملات با برخی از داراییهای خاص مانند ارزهای خارجی و سهام بورس وجود دارد. در بازار سرمایه ایران، محدودیتهایی برای انجام معاملات با برخی از داراییها وجود دارد. مانند ارزهای خارجی که تحت محدودیتهایی در خصوص حجم و زمان معاملات قرار دارند. همچنین، در بازار سهام بورس نیز برخی از سهامها ممکن است محدودیتهایی در خصوص قیمت و تعداد معاملات داشته باشند.

محدودیت سرمایه‌گذاری خارجی: در ایران، سرمایه‌گذاری خارجی در برخی از موارد ممنوع است یا محدودیتهایی برای این نوع سرمایه‌گذاری وجود دارد. این محدودیتها ممکن است به دلیل مقررات قانونی، سیاسی، نظارتی، اقتصادی، یا دیگر عوامل باشد.

رعایت معیارهای شرعی در قراردادهای مبتنی بر اختیار معامله: شرکت‌های دارای مجوز فعالیت در بازار سرمایه ایران، باید در معاملات خود با مشتریان، اصول و مبانی حقوقی را رعایت کنند. این شامل تعیین شرایط معقول برای قرارداد، تعیین شرایط و مسئولیت‌های طرفین، ارائه اطلاعات دقیق و کامل در مورد محصولات و خدمات، و پایبندی به قوانین و مقررات مربوط به فعالیت در بازار سرمایه است و مخاطرات مالی، مخاطرات تجاری، مخاطرات حقوقی و سایر مخاطرات مربوط به فعالیت خود را در بازار سرمایه شناسایی کرده و در برابر آنها اقدامات لازم را باید انجام دهند.

محدودیت‌های شرعی و فقهی برای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران ممکن است در طول زمان تغییر کنند. این تغییرات ممکن است به دلیل تغییرات در قوانین و مقررات بازار سرمایه، تحولات اقتصادی و سیاسی، تغییرات در فرهنگ و رویه‌های مالی و حقوقی، و تحولات شرعی و فقهی رخ دهد. برخی از تغییرات شامل افزایش شفافیت در معاملات، بررسی و تصویب اختیار معامله توسط ستاد تشخیص مصلحت نظام، و تعیین محدودیتهایی برای انجام معاملات با داراییهای خاص مانند ارز و سهام بورس بوده است. در ضمن، باید گفت که محدودیت‌های شرعی و فقهی برای اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، بر اساس تفسیرات مختلف از منابع شرعی و فقهی ممکن است متفاوت باشند که مراجعه به متخصصین و کارشناسان حقوقی و مالی و مشورت با مراجع دینی مورد نیاز است.

تاریخچه اختیار معامله

اختیار معامله یا سلف به عنوان یکی از ابزارهای مالی شناخته شده در فقه اسلامی جلوه‌ای تاریخی و فنی دارد؛ نخستین ظهور آن در دوران اسلامی با واژگان فقهی مانند بیع الشرط و فی الحال تبیین می‌شود که نشان می‌دهد معامله‌گر می‌تواند در آینده، با شرایط معین و قیمت مشخصی، دارایی را خریداری یا فروش کند یا از معامله صرف نظر نماید (حسینی، ۱۳۹۸). در مدل سلف الثمن، تعیین قیمت مشخص دارایی و امکان بهره‌گیری از اختیار در آینده همزمان با قرارداد منعقد می‌شود؛ به عبارت دیگر، دارنده اختیار حق انتخاب خرید یا عدم خرید را دارد و قیمت آینده نیز معین است. برای نمونه فرض کنید فروشنده‌ای ۱۰۰ تن گندم را با قیمت هر تن ۵۰۰ هزار تومان عرضه می‌کند و دارنده اختیار می‌تواند در آینده با همان قیمت، گندم‌ها را بخرد یا از خرید صرف نظر کند. در مدل سلف الشرط، علاوه بر قیمت، شرایطی مانند زمان و مکان تحویل، کیفیت کالا و شیوه پرداخت نیز باید صراحتاً مشخص گردد تا اختیار به طور مشروع و قابل اجرا باشد. فقه اسلامی بر این اساس تأکید می‌کند که اختیار معامله باید در محدوده زمانی معین و با قیمت مشخص صورت پذیرد و شروطی مانند تحویل، پرداخت و امکان انصراف از معامله نیز روشن باشد تا غرر و مراوده قمار و ربا کاهش یابد و کارکردهای مشروع بازار مانند مدیریت ریسک و کشف قیمت محقق شود. تاریخچه بازار سرمایه ایران نشان می‌دهد که در دهه‌های نخست، به ویژه دهه ۱۳۶۰، نهادهای دولتی برای جذب سرمایه‌های خارجی از ابزارهایی همچون گواهینامه‌های اختیار معامله استفاده کردند و با گسترش بورس تهران در دهه ۱۳۷۰، این ابزار به عنوان یکی از ابزارهای اصلی معاملات و ابزارهای مدیریت ریسک و کشف قیمت شناخته شد، در حالی که سیاست‌های نظارتی شورای نگهبان و سازمان بورس و اوراق بهادار همچنان برای حفظ شرعیت و انطباق با قوانین ملی نقش‌آفرینی می‌کردند.

در دهه ۸۰ با تأسیس بورس کالا، اختیار معامله به عنوان قراردادهای مربوط به کالاهای اولیه مانند نفت، گندم و فولاد وارد بازار سرمایه ایران شد و به سرعت به یکی از ابزارهای مهم معاملاتی و سرمایه‌گذاری بدل گشت، به طوری که در دهه ۹۰ با گسترش بورس انرژی، این ابزار در قالب قراردادهای مربوط به انواع سوخت‌های نفتی و گازی نیز راه یافت و در همان دوره با تأسیس بازار فرابورس ایران، امکان حضور اختیار معامله در قالب اوراق بهادار و ابزارهای مالی دیگر فراهم شد. به طور کلی، اختیار معامله در بازار سرمایه ایران به عنوان یکی از ابزارهای کلیدی سرمایه‌گذاری همواره در قالب کالاها، اوراق بهادار و سایر ابزارهای مالی به کار گرفته شده است. از منظر حقوقی-فقهی، پژوهش‌های متعددی همچنان به بررسی شرط معامله در اختیار معامله می‌پردازند؛ برخی از جمله حسین زاده جواد، عبدالحسین شیروی (۱۳۸۶) و رضایی (۱۳۸۴)

، کشتکاری و علومی یزدی (۱۳۹۲) و پورحسین. (۱۳۸۷) از جمله محققانی هستند که استفاده از اختیار معامله به عنوان شرط معامله با استناد به مواد قانونی و تفسیر مبانی حقوقی را از نظر حقوقی معتبر و مشروع می‌دانند. از طرفی دیگر، محققان دیگری در مطالعات خود به ابهامات و که با استناد به مواد قانونی و مبانی حقوقی، آن را مشروع و قابل دفاع می‌دانند، در حالی که برخی دیگر به ابهامات و ناهنجاری‌های احتمالی اشاره کرده‌اند؛ به‌ویژه احتمال نقض شرط معامله در مواجهه با تغییرات ناگهانی بازار. عبدالرحیمیان، حق‌شناس و رامتین (۱۳۹۷) در پژوهشی اختیار معامله را از دیدگاه فقه اسلام از منظر فقه اسلامی این ابزار را ناقض ثبات بازار دانسته‌اند و برخی محققان دیگر نظیر امینی و همکاران، اختیار معامله را در عقود نوظهور بازار سرمایه دانسته‌اند که می‌تواند به کارکردهایی مانند جعاله و صلح پیوسته و در عین حال با چالش‌های بیمه و وکالت روبه‌رو باشد. پژوهش راعی و همکاران (۱۳۹۰) نشان می‌دهند که در حال حاضر چارچوب قانونی مشخصی در ایران وجود ندارد و قراردادهای اغلب بر مبنای تفاهم‌نامه‌های طرفین است که با موازین شرعی سازگار نیست، از این رو نیازمند نظارت‌های حقوقی-فقهی و سازوکارهای شفاف برای تضمین صحت و عدالت معامله است.

تبیین قرارداد اختیار معامله از نظر فقه

قرارداد اختیار معامله یا قرارداد آپشن در فقه اسلامی، به عنوان یک قرارداد پیش‌بینی شده، به معنای حق داشتن فردی برای خرید یا فروش یک دارایی (مانند سهم یا ارز) در یک زمان مشخص در آینده با یک قیمت مشخص است (لنگرودی، ۱۳۵۴). این قرارداد به دو صورت خرید و فروش می‌تواند باشد و اگر فرد خریدار، حق خرید قرارداد را به مدت معینی اجرا نکند، پولی که پرداخت کرده است را از دست می‌دهد. قرارداد اختیار معامله در فقه اسلامی، با توجه به قواعد و اصول مربوط به قراردادهای پیش‌بینی شده، باطل نیست. با این حال، برای معتبر بودن یک قرارداد اختیار معامله، باید موارد زیر را رعایت کرد: وضوح شرایط قرارداد: شرایط قرارداد اختیار معامله باید به صورت واضح و دقیق مشخص شوند. برای مثال، باید مشخص شود که چه دارایی‌هایی مورد معامله قرار می‌گیرند، قیمت معامله چگونه تعیین می‌شود، زمانی که معامله باید اجرا شود و غیره.

عدم جهل: طرفین قرارداد باید از شرایط قرارداد و جزئیات آن آگاه باشند و در صورت عدم آگاهی از این شرایط، قرارداد باطل محسوب می‌شود. بنابراین، قرارداد اختیار معامله نباید تحت فشار، تهدید یا تقلب صورت گیرد.

عدم مخالفت با اصول فقهی: قرارداد اختیار معامله نباید با اصول فقهی مانند عدم تضارب، عدم غرر و عدم ربا مخالفت داشته باشد. به عنوان مثال، قرارداد اختیار معامله نباید باعث حرام شدن تضارب بین دو قرارداد موازی شود.

در کل، قرارداد اختیار معامله با رعایت شرایط و اصول فقهی، معتبر است و می‌تواند به عنوان یکی از روش‌های معامله در بازار سرمایه استفاده شود.

بازار سرمایه و اصول فقه

بازار سرمایه یکی از حوزه‌هایی است که در قواعد فقه اسلامی به آن توجه شده است. سازمان بورس و اوراق بهادار ایران برای رعایت مقررات و قوانین شرعی در بازار سرمایه، قوانین و ضوابطی را تدوین کرده است. این قوانین و مقررات شامل احکام شرعی مربوط به انواع معاملات و صکوک اسلامی، محل قراردادهای سرمایه‌گذاری اسلامی، حقوق و تعهدات شرکت‌ها و مؤسسات و دیگر موارد مرتبط است.

سازمان بورس و اوراق بهادار ایران همچنین با توجه به شرایط و اصول اسلامی، برای جذب سرمایه‌گذاران واجد شریعت، محصولات سرمایه‌گذاری اسلامی را ایجاد کرده است. این محصولات شامل صکوک اسلامی، سهام اختصاصی اسلامی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اختصاصی اسلامی و دیگر موارد مربوط به سرمایه‌گذاری اسلامی است.

همچنین، سازمان بورس و اوراق بهادار ایران با همکاری با شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام و مراجع دینی، به جایگاهی برای توسعه اصول و مفاهیم سرمایه‌گذاری اسلامی در ایران و جهان کمک کرده است.

در کل، سازمان بورس و اوراق بهادار ایران برای رعایت مقررات و قوانین شرعی در بازار سرمایه، قوانین و ضوابطی را تدوین کرده و محصولات سرمایه‌گذاری اسلامی را توسعه داده است. همچنین، در همکاری با شورای نگهبان و مراجع دینی، به توسعه اصول سرمایه‌گذاری اسلامی در ایران و جهان کمک کرده اس‌در فقه اسلامی، برای معاملات و سرمایه‌گذاری، اصول و مبانی خاصی وجود دارد که برای حفظ عدالت و انصاف در معاملات تعیین شده‌اند.

برخی از اصول فقهی که در بازار سرمایه مورد استفاده قرار می‌گیرند، عبارتند از:

ممنوعیت ربا: در اسلام، پرداخت و دریافت سود بدون ریسک، به عنوان ربا شناخته می‌شود و ممنوع است. در بازار سرمایه، سود حاصل از معاملات رباخوار مانند سود حاصل از قرض‌الحسنه و اعطای وام با شرایط نامناسب ممنوع است.

عدم تضعیف ارزش پول: این اصل به دنبال حفظ ارزش پول و پیشگیری از تورم است. به عنوان مثال، افزایش قیمت‌ها در بازار سرمایه نباید به گونه‌ای باشد که ارزش پول را تضعیف کند.

عدم تحریم کالاها: در اسلام، تحریم برخی کالاها مانند الکل، مواد مخدر و سایر کالاهای غیراخلاقی و مضر ممنوع است. در بازار سرمایه نیز ممنوعیت تجارت با این کالاها وجود دارد.

تعهد به قرارداد: برای حفظ اعتماد و اطمینان در بازار سرمایه، تعهد به قرارداد بسیار مهم است. این اصل برای همه قراردادهای اعمال می‌شود و حفظ تعهد به قرارداد در تمام معاملات بسیار حیاتی است.

عدم تضییع حقوق: در بازار سرمایه، عدم تضییع حقوق سهامداران و سایر عوامل موجود در معاملات بسیار حائز اهمیت است. همچنین، توزیع سود برای سهامداران باید بر اساس سهم هر فرد در شرکت باشد و هیچ‌گونه تبعیضی نباید صورت گیرد.

تقویت اعتماد عمومی: اعمال قوانین و مقررات مربوط به حفظ تعهد به قرارداد و عدم تضییع حقوق، باعث تقویت اعتماد عمومی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به بازار سرمایه می‌شود.

توسعه اقتصادی: با اعمال قوانین و مقررات مربوط به بازار سرمایه با رویکرد اقتصاد اسلامی، سرمایه‌گذاری در قالب معاملات و سرمایه‌گذاری واجد شرعیت، توسعه اقتصادی کشور را تسریع می‌کند.

در کل، بازار سرمایه با اصول فقهی عمل کردن، به حفظ عدالت و انصاف در معاملات، جلوگیری از ربا و تضعیف ارزش پول، تقویت اعتماد عمومی و توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کند.

نگاه تطبیقی به دیدگاه‌های فقهی دربارهٔ اختیار معامله در بازار سرمایه ایران و سایر کشورهای

اسلامی

چارچوب فقهی و تفاوت‌های بنیادی درباره اختیار معامله در بازارهای سرمایه اسلامی عمدتاً به سه محور کلیدی استناد می‌کنند: gharar (نامشهود یا عدم قطعیت شدید)، maisir (قمار) و riba (ربا). در برخی کشورها با رویکردهای فقهی مذهب مالکی-شافعی یا فقه‌های نزدیک به آن، طراحی ابزارهای مشتقه با سازوکارهای مشارکتی یا قرض‌الحسنه و با محدودیت‌های مشخص در قیمت‌گذاری و تسویه قابل قبول می‌شود تا اثرات gharar و maisir کاهش یابد. در ایران، نهادهای فقهی بازار سرمایه و شورای نگهبان

نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کنند و برخی مجامع فقهی به محدودیت‌های شدید یا منع کامل اختیار معامله به دلیل ریسک‌های غیرشرعی اشاره می‌کنند، هرچند برخی طراحی‌های مبتنی بر مشارکت مثل *mudaraba* و *musharaka* و همچنین ابزارهای پوشش ریسک با سازوکارهای شفاف را به عنوان جایگزین‌های مشروع می‌پسندند. تفاوت‌های اصلی در این دسته‌بندی‌ها به مبانی اجتهادی، ساختارهای نظارتی و سطح پذیرش بازارها مرتبط می‌شود و می‌تواند به طراحی محصولات مشتقه حلال یا جایگزین‌های اسلامی با کارکردهای پوشش ریسک و کشف قیمت منجر شود.

مقایسه تطبیقی با بازارهای اسلامی دیگر نشان می‌دهد که مالزی، ترکیه، قطر و امارات متحده عربی به ترتیب با حضور شوراهای فقهی بازارهای اسلامی و مجامع نظارتی فعال، رویکردهای متفاوتی را نسبت به اختیار معامله اتخاذ کرده‌اند. مالزی به ارزیابی شرعی دقیق مشتقات و استفاده از ابزارهای مبتنی بر *musharaka* یا *salam* برای پوشش ریسک رویکردی نسبی و با سازوکارهای تسویه مشخص دارد. ترکیه و قطر با ترکیبی از قراردادهای مبادله‌ای محدود و مشارکتی، و امارات با ترکیب رویکردهای فقهی اهل سنت و وجود نهادهای فقهی قوی بازار، به توسعه انواع قراردادهای جایگزین اسلامی و سکوه‌ای تسویه مبتنی بر اصول مشارکت می‌پردازند تا *gharar* و *maisir* را محدود کنند. ایران اما تأکید بیشتری بر محدودیت‌های شرعی و نگرش احتیاطی نسبت به مشتقات غربی دارد و در طراحی ابزارهای جایگزین مبتنی بر مشارکت، نیازمند تقویت سازوکارهای انطباق شرعی و زیرساخت‌های تسویه است. به طور کلی، تفاوت‌های فقهی-نهادی، سطح پذیرش بازار و وجود زیرساخت‌های نظارتی-گزارشی شرعی، می‌تواند به طراحی محصولات حلال‌تر و افزایش همگرایی شرعی-نهادی بین بازارهای اسلامی منجر شود.

کشور/مرجع فقهی اصلی	رویکرد کلان به اختیار معامله	سازوکار جایگزین‌های اسلامی متداول	سطح پذیرش بازار/تصریح نهاد نظارتی
مالزی	ارزیابی شرعی دقیق، پذیرش نسبی مشتقات با محدودیت‌ها	برای پوشش ریسک، ابزارهای مبتنی بر Salam و Musharaka مشارکت	چارچوب نظارتی Malaysia Negara شورای فقهی بانک
ترکیه	رویکرد میانه با پذیرش برخی مشتقات در چارچوب شرعی محدود	مشارکت/قراردادهای مبادله‌ای با تنظیمات شرعی محدود	مجامع فقهی بازار سرمایه اسلامی، نهادهای نظارتی قوی
قطر	توجه به اصول اهل سنت، طراحی ابزارهای جایگزین اسلامی	قراردادهای جایگزین مبتنی بر مشارکت و تسویه دقیق	مجامع فقهی اهل سنت با نقش فعال بانک‌ها/بازارهای اسلامی
امارات	ترکیب رویکردهای فقهی اهل سنت، سکوهای تسویه با رویکرد مشارکت	قراردادهای مبتنی بر مشارکت و سکوهای تسویه شرعی	نهادهای فقهی بازار، مقررات دقیق نظارت شرعی
ایران	فقه شیعی و نظارت شورای نگهبان/نهادهای فقهی بازار سرمایه	محدودیت‌های شرعی و رویکردهای احتیاطی؛ ابزارهای مبتنی بر مشارکت	شورای نگهبان و نهادهای فقهی بازار سرمایه؛ چارچوب‌های انطباق شرعی

توسعه اختیار معامله در بازار سرمایه ایران در آئینده از دیدگاه فقه

به طور کلی، از دیدگاه فقه، اختیار معامله یکی از ابزارهایی است که در بازار سرمایه به کار می‌رود و در صورت صحیح و مطابق با مقررات شرعی، می‌تواند در توسعه بازار سرمایه مؤثر باشد. بنابراین، برای توسعه اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، باید با مبانی شرعی سازگار باشد و از هرگونه فعالیت‌هایی که با مقررات شرعی سازگار نیست، خودداری شود.

برای توسعه اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، می‌توان از راهکارهایی مانند افزایش شفافیت در ارائه اطلاعات، ارتقای سطح آموزش و آگاهی سرمایه‌گذاران و اعضای بازار سرمایه، تشویق به نوآوری و ایجاد فناوری‌های جدید در بازار سرمایه و تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه استفاده کرد.

از دیدگاه فقه، باید از هرگونه تقلب و فریب‌دهی به سرمایه‌گذاران خودداری کرد و روابط عادلانه با سرمایه‌گذاران برقرار کرد. همچنین، باید به دقت در مدیریت سرمایه‌گذاری خود عمل کرده و از هرگونه تبدیل سرمایه‌گذاران به منافع خودداری کرد. از این رو، باید با توجه به مقررات و قوانین شرعی، اختیار معامله در بازار سرمایه ایران توسعه یابد تا بازار سرمایه شفاف، عادلانه و پایداری شکل گیرد که به رونق اقتصادی کشور کمک می‌کند (عباس‌زادگان، ۱۳۸۰).

تغییرات لازم در قوانین و مقررات بازار سرمایه از نظر فقه

قوانین و مقررات بازار سرمایه در عرصه فقه و حقوق اسلامی باید با مفهوم اصلی اقتصاد اسلامی و مقاصد شرعی آن سازگار باشند. در ادامه، تغییراتی که می‌تواند در قوانین و مقررات بازار سرمایه از نظر فقه ایجاد شود را بررسی می‌کنیم:

محدودیت نوع و شرایط قراردادهای مشتقه: در بازار سرمایه، انواع مختلفی از قراردادهای مشتقه به عنوان ابزارهای مالی استفاده می‌شوند. اما برخی از این قراردادها ممکن است با مقاصد شرعی اسلامی سازگار نباشند. بنابراین، محدودیت‌هایی برای نوع و شرایط قراردادهای مشتقه باید در نظر گرفته شود تا بازار سرمایه با مقاصد شرعی سازگار باشد.

تنظیم شرایط قراردادهای اختیار معامله: قراردادهای اختیار معامله در بازار سرمایه به عنوان یکی از ابزارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرند. اما برخی از شرایط این قراردادها ممکن است با مقاصد شرعی اسلامی سازگار نباشند. بنابراین، تنظیم شرایط قراردادهای اختیار معامله با توجه به موازین شرعی و مقاصد اسلامی ضروری است.

محدودیت‌هایی در میزان سود واجد شرعی: در قوانین و مقررات بازار سرمایه، ممکن است محدودیت‌هایی در میزان سود واجد شرعی برای معاملات قرار داده شود. به عنوان مثال، سود حاصل از معاملات باید با میزان سودی که از طریق کار مجهول به دست می‌آید، سازگار باشد.

تنظیم مقررات مربوط به معاملات از نظر عدالت و انصاف: در بازار سرمایه، برای حفظ عدالت و انصاف در معاملات، مقرراتی برای تعیین قیمت و شرایط معاملات باید وجود داشته باشد. این مقررات باید با مفاهیم اصلی اقتصاد اسلامی سازگار باشند.

تعیین میزان جریمه در صورت نقض قوانین و مقررات: در صورت نقض قوانین و مقررات بازار سرمایه، باید جریمه‌هایی تعیین شود که با مفاهیم اصلی اقتصاد اسلامی سازگار باشند. این جریمه‌ها باید برای جبران خسارت‌های ناشی از نقض قوانین و مقررات قراردادی باشند و نباید به عنوان یک منبع درآمدی برای سازمان‌های نظارتی و دولت استفاده شوند.

تنظیم مقررات مربوط به حقوق مالکیت: در بازار سرمایه، ممکن است مشکلاتی مربوط به حقوق مالکیت پیش آید که باید با تنظیم مقرراتی مانند حفاظت از حقوق مالکیت معامله‌گران، پیشگیری از سوءاستفاده از اطلاعات داخلی و خارجی، و تنظیم قوانین مربوط به حقوق مالکیت فکری، برطرف شود.

تنظیم مقررات مربوط به اصول اخلاقی: در بازار سرمایه، رفتارهای نامناسب و ناشایست می‌تواند برای معامله‌گران مضر باشد. بنابراین، تنظیم مقرراتی مانند اجبار به ارائه اطلاعات صادقانه، حرمت و احترام به سایرین، و پیشگیری از تلافی‌جویی و فساد در بازار سرمایه ضروری است.

به طور کلی، قوانین و مقررات بازار سرمایه باید با موازین شرعی و مقاصد اسلامی سازگار باشند. تغییراتی که در قوانین و مقررات بازار سرمایه با توجه به این موازین ایجاد شود، می‌تواند به حفظ عدالت، انصاف، و اعتماد معامله‌گران در بازار سرمایه کمک کند.

محدودیت‌های مالی برای شرکت‌ها در بازار سرمایه اسلامی

بله، در بازار سرمایه اسلامی، محدودیت‌های مالی برای شرکت‌ها وجود دارد که باید با آن‌ها سازگار باشند. از آنجا که بازار سرمایه اسلامی بر اساس اصول شرعی و اخلاقی عمل می‌کند، باید از هرگونه فعالیتی که با مقررات شرعی سازگار نیست، خودداری شود.

به عنوان مثال، در بازار سرمایه اسلامی، فعالیت در ارزشهای خارجی و جایگزین‌های آن مانند سواپ، فیوچر و اختیار، اجازه‌ای ندارد. همچنین، شرکت‌هایی که در حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند که با مقررات شرعی سازگار نیست، مانند تولید و فروش الکل، مواد مخدر و غیره، نمی‌توانند در بازار سرمایه اسلامی فعالیت کنند.

علاوه بر این، شرکت‌ها در بازار سرمایه اسلامی باید از محل سرمایه‌گذاری خود در حوزه‌هایی که با مقررات شرعی سازگار نیست، خودداری کنند. به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی که از سود حرام مانند بهره‌گیری از سود بانکی، سود بیمه‌ای و غیره، بهره‌مند هستند، مجاز نیست.

با توجه به محدودیت‌های مالی در بازار سرمایه اسلامی، شرکت‌هایی که در این بازار فعالیت می‌کنند، باید با دقت و شفافیت در مدیریت سرمایه‌گذاری خود عمل کرده و از هرگونه فعالیتی که با مقررات شرعی سازگار نیست، خودداری کنند. همچنین، سرمایه‌گذاران نیز باید از شرکت‌هایی که در حوزه‌هایی فعالیت می‌کنند که با مقررات شرعی سازگار نیست، خودداری کنند و به دنبال سرمایه‌گذاری در شرکت‌هایی باشند که با مقررات شرعی سازگار هستند.

چگونگی تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه

از آنجا که بازار سرمایه در اساس خود بر اصول اخلاقی و اصول شرعی عمل می‌کند، برای تحقق این اصول در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، باید عملکرد و رفتار تمامی اعضای بازار سرمایه، از جمله شرکت‌ها، بورس، سرمایه‌گذاران، مشاوران، تحلیل‌گران و غیره، مورد بررسی قرار گیرد.

برای تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، می‌توان از راهکارهایی مانند ایجاد سیستم‌های نظارت و کنترل مناسب بر رفتار شرکت‌ها و دیگر اعضای بازار سرمایه، تشویق به انجام تحقیقات و تحلیل‌های شفاف در خصوص شرکت‌ها و صنایع، ارتقای سطح آگاهی سرمایه‌گذاران و اعضای بازار سرمایه، ایجاد فرهنگ اخلاقی در بازار سرمایه و تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه استفاده کرد.

همچنین، اعضای بازار سرمایه باید به دقت در مدیریت سرمایه‌گذاری خود عمل کرده و از هرگونه تبدیل سرمایه سرمایه‌گذاران به منافع خودداری کنند. همچنین، باید از هرگونه تقلب و فریب‌دهی به سرمایه‌گذاران خودداری کرد و روابط عادلانه با سرمایه‌گذاران برقرار کرد (رفیعی و عبد الصمدی، ۱۳۸۵).

در نهایت، برای تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، نیاز به همکاری و هماهنگی بین تمامی اعضای بازار سرمایه و نهادهای مرتبط، از جمله بورس، سازمان بورس و اوراق بهادار، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و رسانه‌های مختلف است.

اصول اخلاقی در بورس و سایر نهادهای مرتبط در ایران

با توجه به موازین اخلاقی و شرعی، بورس و سایر نهادهای مرتبط در ایران متعهد به رعایت اصول اخلاقی هستند و برای تحقق این اصول، برخی از راهکارهایی را پیشنهاد و اجرا کرده‌اند. این راهکارها شامل ایجاد قوانین و مقررات مربوط به رفتار اعضای بازار سرمایه و تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، ایجاد نظام نظارت و کنترل بر رفتار اعضای بازار سرمایه، ارائه خدمات بهتر و کارآمدتر به سرمایه‌گذاران، تشویق به انجام تحقیقات و تحلیل‌های شفاف در خصوص شرکت‌ها و صنایع، ایجاد فرهنگ اخلاقی در بازار سرمایه و تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه است.

به عنوان مثال، در ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار، به عنوان نهاد مسئول در بازار سرمایه، مقررات و قوانینی را برای حفظ شفافیت، عدالت و اصول اخلاقی در بازار سرمایه تدوین کرده و از طریق نظارت و کنترل بر رفتار شرکت‌ها و دیگر اعضای بازار سرمایه، سعی در حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران و تضمین عدالت در بازار سرمایه دارد.

با این حال، هنوز مواردی از نقض اصول اخلاقی در بازار سرمایه می‌افتد و نیاز به اقدامات بیشتری برای اجرای اصول اخلاقی در بازار سرمایه و تحقق شفافیت و عدالت در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه وجود دارد.

سازمان‌های مرتبط در ایران برای جلوگیری از رفتار نامناسب در بازار سرمایه

سازمان‌های مرتبط در ایران برای جلوگیری از رفتار نامناسب در بازار سرمایه، اقداماتی انجام می‌دهند. به عنوان مثال، سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، به عنوان نهاد مسئول نظارت بر بازار سرمایه ایران، اقداماتی انجام می‌دهد تا رفتار نامناسب در بازار سرمایه را کنترل کند. این سازمان قوانین و مقرراتی را برای تنظیم رفتار و عملکرد اعضای بازار سرمایه، از جمله شرایط عضویت در بورس و اوراق بهادار، تدوین می‌کند.

سازمان نظام صنفی کارگزاران بورس، نهادی است که مسئول نظارت بر فعالیت کارگزاران در بازار سرمایه ایران می‌باشد. این سازمان به منظور جلوگیری از رفتار نامناسب، اقداماتی انجام می‌دهد که از جمله آن می‌توان به برگزاری دوره‌های آموزشی و تحقیقات برای شناسایی رفتارهای نامناسب اشاره کرد.

سازمان بازرسی مالیاتی، مسئول نظارت بر رفتار مالی شرکت‌های بورسی است و این سازمان برای جلوگیری از رفتار نامناسب، اقداماتی مانند بررسی‌های مالیاتی و حسابرسی شرکت‌های بورسی را انجام می‌دهد.

سازمان حفاظت از حقوق مصرف‌کنندگان، نهادی است که مسئول حفاظت از منافع مصرف‌کنندگان می‌باشد و در صورت شناسایی رفتار نامناسب شرکت‌های بورسی، اقدام به تحریم و جریمه آن‌ها می‌کند.

این سازمان‌ها و نهادهای مرتبط در ایران، با انجام این اقدامات، تلاش می‌کنند تا رفتار نامناسب در بازار سرمایه را کنترل کنند و از اعضای بازار سرمایه درخواست می‌کنند که به اصول اخلاقی و قوانین مربوط به بازار سرمایه پایبند باشند.

افزایش رعایت اصول اخلاقی در بازار سرمایه ایران

برای افزایش رعایت اصول اخلاقی در بازار سرمایه ایران، می‌توان از راهکارهای زیر استفاده کرد: ایجاد قوانین و مقررات مربوط به رفتار اعضای بازار سرمایه و تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه، و نظارت بر اجرای این قوانین؛

افزایش شفافیت در ارائه اطلاعات به سرمایه‌گذاران و تضمین دسترسی آنان به اطلاعات لازم جهت انجام تحلیل‌های خود؛

تشویق به انجام تحقیقات و تحلیل‌های شفاف در خصوص شرکت‌ها و صنایع، و ارائه اطلاعات دقیق و صحیح در این زمینه؛

ارتقای سطح آگاهی سرمایه‌گذاران و اعضای بازار سرمایه در خصوص اصول اخلاقی و رفتار صحیح در بازار سرمایه؛

تشویق به حضور مشاوران مالی متعهد و دارای اخلاق حرفه‌ای در بازار سرمایه؛

افزایش نقش رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی در خصوص رفتار اخلاقی در بازار سرمایه؛

ایجاد فرهنگ اخلاقی در بازار سرمایه و تحقق اصول اخلاقی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه؛

تشویق به شفافیت و حفظ عدالت در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه؛

ارتقای نظام نظارت و کنترل بر رفتار اعضای بازار سرمایه؛

افزایش همکاری و هماهنگی بین تمامی اعضای بازار سرمایه و نهادهای مرتبط، به منظور تحقق اصول اخلاقی و رعایت موازین شرعی در تصمیم‌گیری‌های بازار سرمایه.

با اجرای این راهکارها، می‌توان بهبود و توسعه بازار سرمایه ایران را رقم زد و اطمینان حاصل کرد که اعضای بازار سرمایه در تصمیم‌گیری‌های خود، از اصول اخلاقی و شرعی پایبندی می‌کنند.

افزایش شفافیت اطلاعات را در بازار سرمایه از نظر فقه

در اسلام، شفافیت و اطلاع‌رسانی به عنوان اصولی بسیار مهم در مسائل اقتصادی و تجاری برشمرده شده است. به همین دلیل، افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه نیز از دیدگاه فقه، بسیار حائز اهمیت است.

در فقه، از دو نوع شفافیت یا اطلاع‌رسانی صریح و ضمنی یاد می‌شود. شفافیت صریح به معنای اطلاع‌رسانی به صورت رسمی و قانونی است، مانند اعلامیه‌هایی که شرکت‌ها برای اطلاع‌رسانی به بازار منتشر می‌کنند. اما شفافیت ضمنی به معنای اطلاع‌رسانی غیرمستقیم و غیررسمی است که ممکن است از طریق رفتار شرکت‌ها و شرکت‌کنندگان در بازار به دست آید (شهیدی، ۱۳۷۹).

بنابراین، به نظر می‌رسد که برای افزایش شفافیت در بازار سرمایه، لازم است که هر دو نوع شفافیت مذکور رعایت شود. به عنوان مثال، شرکت‌ها باید به طور صریح اطلاعات مالی و بازار خود را منتشر کنند و همچنین باید از رفتار و عملکرد خود در بازار به درستی اطلاع‌رسانی کنند.

از دیدگاه فقه، شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه به منظور حفظ حقوق مالکان، پیشگیری از تقلب و سوءاستفاده، تقویت اعتماد عمومی و تسهیل انتقال اطلاعات، بسیار حائز اهمیت است. بنابراین، از نظر فقه، افزایش شفافیت در بازار سرمایه و تلاش برای ایجاد یک بازار شفاف، باعث افزایش عدالت و اعتماد در بازار می‌شود و در نتیجه به رونق اقتصاد کشور کمک می‌کند.

در فقه اسلامی، شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه، به عنوان یک اصل اخلاقی مهم شناخته شده است. مفهوم شفافیت اطلاعات به معنای ارائه اطلاعات کامل و دقیق درباره شرکت‌ها و همچنین اطلاع‌رسانی به موقع درباره تغییرات و رویدادهای مهم در بازار سرمایه است.

افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه از نظر فقه

تدوین قوانین و مقررات: ایجاد قوانین و مقررات دقیق و شفاف در خصوص ارائه اطلاعات شرکت‌ها و نهادهای مربوط به بازار سرمایه، می‌تواند به افزایش شفافیت اطلاعات کمک کند. برای مثال، این قوانین می‌تواند شامل الزامات ارائه گزارش‌های مالی دوره‌ای، گزارش‌های پیشرفت پروژه‌ها، افشای اطلاعات مربوط به معاملات داخلی و خارجی شرکت و غیره باشد.

تشویق به ارائه اطلاعات: برای تشویق شرکت‌ها به ارائه اطلاعات بیشتر، می‌توان به ایجاد دستورالعمل‌ها و ارائه پاداش‌هایی برای شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به خود را به صورت شفاف ارائه می‌دهند، فکر کرد. قراردادهای اسلامی: در قراردادهای اسلامی، شرکت‌ها موظف به ارائه اطلاعات دقیق و کامل در مورد وضعیت مالی و عملکرد خود هستند. این قراردادها می‌توانند به عنوان یکی از راه‌های افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه استفاده شوند.

آموزش و ارتقای آگاهی: برای افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه، آموزش و ارتقای آگاهی سرمایه‌گذاران و دیگر اعضای بازار سرمایه نیز بسیار مهم است. با ارتقای آگاهی سرمایه‌گذاران درباره اصول اخلاقی و قوانین بازار سرمایه، آن‌ها قادر خواهند بود تا رفتار نامناسب را تشخیص دهند و به شفافیت اطلاعات کمک کنند.

در کل، افزایش شفافیت اطلاعات در بازار سرمایه از نظر فقه، نیازمند تدوین قوانین و مقررات دقیق، تشویق به ارائه اطلاعات، استفاده از قراردادهای اسلامی، آموزش و ارتقای آگاهی سرمایه‌گذاران و اعضای بازار سرمایه و همچنین نظارت و اجرای صحیح قوانین توسط مراجع ذیصلاح است.

محدودیت‌ها در میزان سود واجد شرعی در بازار سرمایه ایران

در بازار سرمایه ایران محدودیت‌هایی در میزان سود واجد شرعی برای برخی از معاملات وجود دارد. برای مثال، سود حاصل از معاملات رباخواری (معاملاتی که بر اساس سود بدون مقابله صورت می‌گیرند) در قراردادهای بورس اوراق بهادار تهران ممنوع است. همچنین، در برخی از قراردادهای سقف سود واجد شرعی تعیین شده است. به عنوان مثال، در قراردادهای اجاره ماشین، سود واجد شرعی نباید بیشتر از ۱۵ درصد

باشد. همچنین، در برخی از قراردادهای سود واجد شرعی با سود بازار مقایسه می‌شود و در صورتی که سود واجد شرعی بیشتر از سود بازار باشد، تفاوت میزان سود به کیفرات دولتی و یا به خیریه اهدا می‌شود. این محدودیت‌ها برای حفظ عدالت و انصاف در بازار سرمایه ایران تعیین شده‌اند و با مفاهیم اصلی اقتصاد اسلامی سازگار هستند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وضعیت فقهی اختیار معامله در بازار سرمایه ایران به دلیل وجود ابهامات درباره حلال یا حرام بودن آن، همواره یکی از چالش‌های عمده در حوزه حقوق و اخلاق اقتصادی بوده است. این وضعیت ناشی از چند محور کلیدی است: اول، عدم تعیین دقیق حکم فقهی برای اختیار معامله در منظر فقهای شیعه و اهل سنت و برخوردهای متنوع فتوایی که هر کدام تبعات عملیاتی متفاوتی برای فعالان بازار می‌تواند به همراه داشته باشد. ثانیاً، نبود قوانین دقیق و قابل اجرا در بازار سرمایه ایران که به صراحت به ماهیت، شروط، سازوکارهای اجرایی و نظارت بر قراردادهای اختیار معامله بپردازد، فضای ابهام حقوقی را تشدید می‌کند و به تفسیرهای مناقشه‌برانگیز منجر می‌شود. ثالثاً، مسئله شرط اجتنابی یا شرط اختیار که ممکن است با انگیزه‌های سودجویی و تقلبی تقابل پیدا کند، می‌تواند منجر به تضاد منافع، نقض شروط معامله و از دست رفتن دارایی‌های طرفین شود (سازمان بورس و اوراق بهادار ایران، ۱۴۰۰). رابعاً، چالش‌های مالی و اقتصادی ناشی از نبود شفافیت و سازوکارهای نظارتی کارآمد، به‌خصوص در مواجهه با نوسانات بازار و تغییرات ناگهانی قیمت‌ها، می‌تواند پیامدهای شدید مالی برای سرمایه‌گذاران به دنبال داشته باشد. در نتیجه، مطالعه دقیق فقهی-حقوقی و تبیین چارچوب‌های نظارتی-اجرایی ضروری است تا بتوان حلال یا حرام بودن این ابزار را با تکیه بر اصول شرعی و مبانی حقوقی مشخص کرد، از سوء استفاده جلوگیری نمود و کارایی بازار با حفظ اخلاق، عدالت و امنیت معاملات ارتقاء یابد (شورای نگهبان، ۱۳۹۹).

از این رو، این پژوهش با هدف ایجاد یک چارچوب شفاف، امن و سازگار با مبانی شرعی برای استفاده از ابزار اختیار معامله در بازار سرمایه ایران، راهکارهای عملی متعددی ارائه می‌دهد که همواره بر سه رکن کلیدی مبانی فقهی *gharar* (نامشهودی/عدم قطعیت)، *maisir* (قمار) و *riba* (ربا) استوار است (Khan & Bhatti, 2010). نخست، ایجاد چارچوب فقهی واحد و اجرایی ضروری است؛ از این رو تشکیل کمیته فقهی-حقوقی متشکل از مراجع فقهی، پژوهشگران حقوق و نمایندگان بازار سرمایه برای تدوین معیارهای روشن جواز یا منع اختیار معامله پیشنهاد می‌شود. این کمیته باید اصول چارچوب را به‌طور واضح تعریف کند (Ayub, 2007). از جمله رعایت احتیاط مالی، حفظ منافع عمومی، عدالت در سود و زیان، عدم اضرار به

سهامداران و جلوگیری از غرر و ربا. همچنین به منظور عملیاتی‌سازی، ارائه راهنمای اجرایی کتبی برای فعالان بازار (brokers)، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران با مثال‌های روشن از موارد مجاز و غیرمجاز ضروری است تا سطح فهم مشترک و همسو با مبانی شرعی ارتقا یابد. (نوری، ۱۴۰۰).

در گام بعدی، استانداردسازی شروط مشروعیت معامله اهمیت حیاتی دارد. لازم است فهرست مشخصی از شرایط مشروعیت برای قراردادهای اختیار معامله تعریف شود، از قبیل موضوع معامله، قیمت، تاریخ اعمال، شیوه پرداخت، شفافیت اطلاعاتی، افشای ریسک‌ها و حفظ حقوق سهامداران. از طریق الزام به گزارش‌دهی شفاف و افشای دقیق قراردادهای و نحوه اجرای آن‌ها به سازمان بورس و شورای نگهبان، نظارت دقیق و پاسخگویی شرعی تضمین می‌شود. همچنین وضع ضوابطی برای اطلاعات شرکت‌های معامله‌گر و شاخص‌های اخلاقی و حرفه‌ای متناسب با فقه اسلامی، به شفافیت و اعتماد بازار می‌افزاید و امکان پایش انطباق قراردادهای با اصول شرعی را فراهم می‌کند.

سازوکار حفاظت از منافع عمومی و اخلاقی را می‌توان با تعریف پروژه‌های نظارتی-اجرایی جهت جلوگیری از سوءاستفاده، دستکاری در بازار و ایجاد سودهای نامشروع تقویت کرد. ایجاد کانال‌های رسیدگی به شکایات، بازرسی‌های دوره‌ای و چارچوب‌های پاسخگویی به تخلفات شرعی باید به‌طور منظم فعال شود تا اعتبار بازار حفظ گردد. همچنین ایجاد سازوکار مشورت با مراجع دینی در مواقع ابهام یا مواجهه با فناوری‌های نوظهور در ابزارهای مالی اسلامی، از طریق بانک سوالات متداول و فرم‌های اخذ نظر شرعی می‌تواند روند تصمیم‌گیری را شفاف و کارآمد کند.

رویکرد تطبیقی و شفافیت، با توجه به اختلافات فقهی، به عنوان یک ابزار کلیدی برای کاهش عدم قطعیت‌های فقهی پیشنهاد می‌شود. انجام پژوهش‌های تطبیقی با بازارهای اسلامی دیگر برای استخراج بهترین شیوه‌ها و حل اختلافات فقهی در جواز یا حرمت اختیار معامله، می‌تواند به همگرایی شرعی-نهادی منجر شود. انتشار پروژه‌های پژوهشی و گزارش‌های فنی-شرعی به شکل قابل دسترس برای فعالان بازار و مراجع تصمیم‌گیر، نقش مهمی در شفافیت و پذیرش عمومی ایفا می‌کند.

در حوزه آموزش و ظرفیت‌سازی بازار، برگزاری کارگاه‌ها، سمینارها و توسعه منابع آموزشی فارسی با زبان ساده و نمودارهای روشن برای فهم مفاهیم اختیار معامله از منظر فقه اسلامی، می‌تواند دانش و پذیرش عمومی را افزایش دهد. همچنین توسعه مواد آموزشی برای رسانه‌ها و عموم سرمایه‌گذاران به همراه زبان‌سازی ساده مطالب، نقش مهمی در ایمن‌سازی تصمیم‌گیری‌های بازار دارد.

فرایند تصمیم‌گیری و مشاوره شرعی، با ایجاد سازوکار مشورت شرعی برای هر قرارداد اختیار معامله، به‌ویژه در مواقع اختلاف‌نظر بین علمای دین، به بهبود مشروعیت قراردادها کمک می‌کند. ایجاد بانک سوالات متداول، فرم‌های اخذ نظر شرعی و روند حصول اطمینان از سازگاری با فقه امامیه یا مذاهب دیگر با توجه به کاربرد در بازار ایران، از نظر کارآمدی و پذیرش عملی ضروری است.

تقویت نهادهای بازرگانی اسلامی: تقویت نهادهای بازرگانی اسلامی و ایجاد تسهیلات و خدمات مناسب برای سرمایه‌گذاران واجد شرعیت، به جذب سرمایه‌گذاران واجد شرعیت و توسعه اقتصادی کشور کمک می‌کند. در کل، استفاده از بازار سرمایه با اصول فقهی به منظور توسعه اقتصادی کشور نیازمند برنامه‌ریزی و اجرایی شدن اقدامات متعددی است که به جذب سرمایه‌گذاران واجد شرعیت، توسعه بازار بورس، توسعه بانکداری اسلامی، توسعه صندوق‌های سرمایه‌گذاری اختصاصی اسلامی و تقویت نهادهای بازرگانی اسلامی نیاز دارد.

منابع

- امینی، ع. و سلیمی، ع. ر. (۱۳۹۰). قرارداد اختیار معامله در فقه. پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی، ۷(۴)، ۲۵-۲۷.
- پورحسین، م. ر. (۱۳۸۷). حقوق قراردادهای مالی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۳۵۴). دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، ج ۱، قم: مدرسه عالی امور قضایی و اداری، اول، ص. ۲۶۰.
- حائری، م. (۱۳۷۳). مبانی فقهی اصل آزادی قراردادهای و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی، تهران: کیهان، دوم.
- حجتی، م. و کریمی، م. (۱۳۹۸). مبانی فقهی قراردادهای اسلامی در بازار سرمایه. پژوهشگاه فرهنگ و اقتصاد اسلامی.

حسین‌زاده، ج. و شیروی، ع. (۱۳۸۶). وضعیت فقهی و حقوقی قرارداد اختیار معامله. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی؛ ۲۷.

حسینی عاملی، س. م. ج. (۱۳۲۳). مفتاح الکرامه. تهران: افست. حقوق، ۱۳۲۳.ق.

- حسینی، م. (۱۳۹۸). فقه معاملات اسلامی و کاربرد آن در ابزارهای مشتقه. نشر اقتصاد اسلامی. درخشان، م. (۱۳۸۳). مشتقات و مدیریت ریسک در بازارهای نفت. تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.
- راعی، ر.، سیاح، س. و مصباحی مقدم، ح. غ. ر. (۱۳۹۰). تبیین ابعاد فقهی، حقوقی و نظارتی قرارداد اختیار معامله در بازار مالی ایران. فصلنامه تحقیقات مالی، دوره ۱۳(۳)، ۱۴-۱.
- رضایی، م. (۱۳۸۴). اوراق اختیار معامله در منظر فقه امامیه. نشریه مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق علیه السلام، فصلنامه پژوهشی ۲۵ دانشگاه امام صادق (ع).
- رفیعی، م. ت. و عبد الصمدی، ر. (۱۳۸۵). بررسی حقوقی اوراق اختیار معامله در بازار بورس اوراق بهادار. مجله اندیشه های حقوقی، ش ۱۰، قم: دانشگاه تهران- پردیس قم.
- سازمان بورس و اوراق بهادار ایران. (۱۴۰۰). چارچوب نظارتی-شرعی برای قراردادهای مشتقه در بورس ایران. تهران: سازمان بورس URL.
- شورای نگهبان. (۱۳۹۹). فتاوا و راهنمای فقهی استفاده از مشتقه های مالی در بازار سرمایه ایران. تهران: شورای نگهبان URL.
- شهیدی، م. (۱۳۷۹). حقوق مدنی اصول قراردادهای و تعهدات، ج ۲، تهران: عصر.
- عباس زادگان، م. (۱۳۸۰). ارزیابی عملکرد صنعت بیمه کشور در بازار سرمایه. فصلنامه بیمه، تهران: ش ۴.
- عبدالرحمانیان، م. ح.؛ حق شناس، ع. و رامتین، ح. (۱۳۹۷). قرارداد اختیار معامله از منظر فقه اسلامی. فصلنامه علمی ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۲۳.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۷). الزامهای خارج از قرارداد-ضمان قهری. جلد دوم، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران.
- کشتکاری، معصومه و علوم یزدی، حمیدرضا (۱۳۹۲). ساختار و چالشهای حقوقی قرارداد اختیار معامله. مطالعات فقه و حقوق اسلامی، شماره ۸.
- نوری، ل. (۱۴۰۰). ابزارهای جایگزین اسلامی در بورس ایران Musharaka و Mudaraba. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹(۱)، ۴۵-۶۸.

- Ayub, M. (2007). *Understanding Islamic , maisir, riba. Finance*. Wiley
- Blair, Michael (2007). *Financial Markets Exchanges Law*. London, Oxford University Press.
- Hudson, Alastair (2006). *The Law on Financial Derivatives*. London, Sweet & Maxwell.
- Khan, M. S., & Bhatti, M. (2010). Islamic Finance: An Introduction and Overview. *Journal of Economic Behavior and Organization*, 76(3), 1-10
- Webber, Alan (1994). *Dictionary of Futures & Options*. Vision Books, Probus Publishing Co.
- Tuckman, H. P., & Vila, J. L. (2001). Restricting stock index arbitrage: An analysis of the success of the NYSE trading collar. *The Journal of Finance*, 56(5), 1793-1820.